

شرایط برای گسترش آن سخت می‌باشد، برای توسعه زنبورداری، دوان یکی از قطب‌های بسیار مناسب است.

علی‌رغم کلیه اقدامات غریزی که به صورت رفتارهای متنوعی در این حشره اجتماعی برای حفظ بهداشت و سلامت خود و فرآورده‌های خود بوجود آمده، اغلب یک یا چند بیماری یا آفت موجب از بین رفتن قسمتی یا تمامی جمعیت کلنی‌های زنبور عمل می‌گردد. بیماری‌های زنبور عمل به دو گروه بیماری‌های واگیر و بیماری‌های غیرواگیر تقسیم شده‌اند. بیماری‌های واگیر توسط میکروارگانسیم‌های مختلفی موجب می‌گردند که مهمترین آنها باکتریها، قارچها، ویروسها و پروتوزوآها می‌باشند که اهمیت نسبی متفاوتی دارند. بیماری‌های غیرواگیر عامل میکروبی نداشته ولی علل مختلفی موجب بروز آنها می‌گردد.^۱ اظهار شده که کمبود مواد غذایی، عوامل اقلیمی نامساعد همچون خشکسالی، مسمومیت در اثر سمپاشی منازل و استفاده از گرد گوگرد در تاکستانها باعث شده که بسیاری از کلنی‌های زنبور عمل در دوان از بین بروند. بعضی مواقع اتفاق افتاده که در یک سال زنبوران حدود ۵۰ کندوی عمل تلف شده‌اند. یکی دیگر از آفات زنبور عمل، زنبوری است معروف به گُنَج (gondz) که زنبوران عمل را شکار کرده و از آن تغذیه می‌نماید. این زنبور در فصل انگور بوفور در منطقه دوان دیده می‌شود و آفتی خطرناک است. برای برقراری تعادل بین تلفات و تولید و همچنین برای گسترش زنبورداری، دوانی‌ها در فصل بهار اقدام به ازدیاد و تقسیم کندوهای خود می‌نموده‌اند. به کندوهای تازه تشکیل شده، ملکه جفتگیری کرده و یا سلول ملکه در بسته می‌دادند. اگر سال خوبی بود و از لحاظ گل و گیاه فراوانی وجود داشت، معمولاً از هر کندو سه کندوی جدید می‌ساخته‌اند. امروزه دیگر در دوان نه کندویی به چشم می‌خورد و نه صحبتی از عسل‌های طبیعی کوهستانی دوان است. پیرمردان و پیرزنان دوانی با حسرت از عسل دوا یاد می‌کنند و اکثراً رغبت خوردن عسل‌های تولید شده در زنبورداریهای مدرن را ندارند.

پرورش طیور

مرغداری سنتی همیشه در دوان رواج داشته و هر خانوار مقدار زیادی مرغ و خروس داشته است. مرغهای سنتی دوان از تنوع برخوردار بوده است. انواع مرغهای موجود در دوان عبارتند از: ۱ - مرغ سیاه، ۲ - مرغ سرخ، ۳ - مرغ زردپا پری، ۴ - مرغ لاری، ۵ - مرغ سفید، ۶ - مرغ خاکستری، ۷ - مرغ گل باقله‌ای، ۸ - مرغ گردن بلوری، ۹ - مرغ تاجدار، ۱۰ - مرغ بی تاج، و ۱۱ - مرغ ریش دار. همچنین خروسهای متفاوتی را دوانی‌ها نگهداری می‌کرده‌اند: ۱ - خروس طاووسی، ۲ - خروس قرمز، ۳ - خروس زرد، ۴ - خروس سفید، ۵ - خروس سیاه و ۶ - خروس لاری.

دوانی‌ها همه ساله به تکثیر مرغ می‌پرداخته‌اند. ابتدا ۱۵ تا ۲۰ تخم مرغ محلی را داخل یک سبد گِیرِک (ge:rak) که در ته آن مقداری کاه ریخته شده قرار می‌دهند. سپس یک مرغ کِرِک (korek) (مرغی که سه روز است دیگر تخم نمی‌گذارد) برای مدت ۲۰ روز روی تخمها می‌خوابد. زنها در این مرحله می‌خوانند:

پُکِش مُژ و آتوش خروس	به حق شاه پینه‌دوز
ba haq - e šâh - e pina duz	pok - eš mor vo atoš xorus

و به عبارتی دیگر آنها آرزو می‌کنند که قسمت اعظم تخم مرغها مرغ شود تا تخم‌گذاری کنند. همه روزه مرغ را دوبار از اتاق بیرون آورده دانه و آب می‌دهند. بعد از ۲۰ روز جوجه‌ها از تخم بیرون می‌آیند. جوجه‌ها را تا سه روز آب شکر می‌دهند و سپس تا مدت ۸ روز آب برآرد پاشیده، آن را صورت دانه درمی‌آورند و گندم کوبیده (lalek) به جوجه‌ها می‌دهند. بعد از ۸ روز جوجه‌ها قادر می‌شوند که خود غذا بخورند و بعد از ۴۰ روز تشخیص داده می‌شود که جوجه‌ها مرغ هستند یا خروس. معمولاً اگر بیش از یک خروس داشته باشند، یکی را نگهداشته و بقیه را به خاطر پرواربندی اخته می‌کنند خسی (xasi). مرغ ر خروسها از صبح تا ظهر در کوچه‌ها رها هستند و ظهر برای آب و دانه به خانه آورده می‌شوند و سپس تا غروب دوباره در کوچه‌ها آزاد هستند. غروب در خانه به آنها غذا داده می‌شود و صبح زود هم قبل از خروج از خانه به آنها آب و دانه می‌دهند. در زمستان گندم و در تابستان جو به طیور خود می‌داده‌اند. تابستان مرغ و

خروسها را در سبدهای مخصوص بافته شده از چوب بادام به نام بوک (bovek) که در واقع نوع قفس تابستانه است قرار می‌دادند. در زمستان محل نگهداری طیور زیر سکوهای واقع در دروازه خانه بوده است.

طیور در دوان دارای آفاتی چند است که از مهمترین آنها آبله، اسهال و ورم روده است. دشمن اصلی طیور در دوان روباه است که به وفور پیدا می‌شود و مرتب بر قفس‌های مرغها حمله می‌کنند. سابقاً تعداد مرغهای محلی خیلی زیاد بوده، اما دوانی‌ها کمتر به نگهداری مرغ و خروس علاقه نشان می‌دهند. در حال حاضر چیزی حدود ۱۰۰۰ مرغ و خروس سستی در دوان وجود دارد که نسبت به سالهای ۱۳۵۵ و ۱۳۶۰ حدود ۵۰ درصد کاهش داشته است.

مرغها با یک سری بیماریها روبرو هستند. اسهال سفید مخصوص جوجه‌هاست. بیماری دیگر ورم ناف است که این هم مخصوص جوجه‌هاست. اگر مرغها هوای کافی، گیرشان نیاید مرض سی.آر.دی. (CRD) می‌گیرند که باعث می‌گردد دور قلب مرغها چرکین شده و نهایتاً بمیرند. معمولاً در این مرغداری از روش پیشگیری استفاده می‌شود، اما در صورت مبتلا به مرض، درمان به وسیله دارو، انجام می‌گیرد.

نگهداری چارپایان

زیربنای طبیعی و اقتصادی زندگی در دوان به گونه‌ای است که بکارگیری چارپایان به عنوان وسیله حمل و نقل و کار را الزامی می‌کند. محیط کوهستانی، فاصله‌های دور بین باغ و صحرا، نوع کشت و ساخت فیزیکی باغها باعث شده که دوانی‌ها همیشه به نگهداری چارپایان پردازند. آنچه از جدول ۲-۶ بر می‌آید این است که دوانی‌ها عمدتاً دارای اسب، الاغ و قاطر هستند. از طرف دیگر، در بررسی زمینهای زراعی، تاکستانها و باغهای انار و انجیر دیدیم که واحد اندازه‌گیری زمین برای دوانی‌ها گاو بوده است. این امر نشانگر آن است که دوانی‌ها سابقاً دارای گاو هم بوده‌اند به طوری که در شخم زدن از گاو استفاده می‌کرده‌اند، اما به چندین لحاظ از ابتدای قرن اخیر استفاده از گاو را کنار گذاشته، در عوض به پرورش سایر چارپایان پرداخته‌اند. از یک طرف گاو حیوانی پرخرج و نگهداری آن مستلزم مراقبت بیش از اندازه است. از طرف دیگر این حیوان کم‌تحرك بوده و ضمناً برای بارکشی مناسب نیست. به عبارت دیگر دوانی‌ها که آدمهایی حسابگر

هستند، به این فکر افتادند که قاطر را جانشین گاو نمایند زیرا از یک طرف در شخم زنی می‌توان از آن استفاده کرد، و از طرف دیگر چارپایی قوی و مناسب بارکشی در کوهستان و حمل و نقل به شهر می‌باشد. به طوری که بعدها قاطر دوانی و قاطرداران دوانی در منطقه جنوب معروفیت خاصی پیدا نمودند.

دوانی‌ها بر اساس داشتن خر و اسب فراوان، تکثیر قاطر برایشان خیلی راحت بوده است، به طوری که در کوتاه مدت دارای انواع مختلفی قاطر شده‌اند. یک تقسیم‌بندی غالب از انواع قاطرهای موجود در دوان بر اساس رنگ انجام گرفته است که به شرح زیر است: ۱- قاطر کُمت (komeyt) (از نظر دوانی‌ها بهترین نوع قاطر است)، ۲- قاطر کهر به رنگ سرخ با زانوهای سیاه (این هم جزء قاطرهای خوب است)، ۳- قاطر شکال، ۴- قاطر سفید، ۵- قاطر دیده (از کیفیت پایین برخوردار است)، ۶- قاطر سیاه، ۷- قاطر نارنجی، ۸- قاطر لیمویی، ۹- قاطر زرد، ۱۰- قاطر بور (خاکستری).

الاغ هم چارپای مناسبی برای منطقه دوان است. از آنجایی که همه دوانی‌ها قادر به داشتن قاطر نبوده‌اند، لذا نگهداری الاغ هم بین اقشار کم درآمد دوان رواج بیشتری داشته است. از طرف دیگر هر خانواده‌ای که قاطر داشته معمولاً الاغی هم نگهداری می‌کرده به علت اینکه قاطر بیشتر وسیله کار کشاورزی و حمل و نقل به خارج از روستا و راه دور بوده، می‌بایست الاغی هم در منزل برای آوردن آب از چشمه و یا کارهای جزئی بوده باشد. تقسیم‌بندی الاغها بر اساس کیفیتشان در دوان به شرح زیر است: ۱- خر شِه_نه شکال (še: na šekāl) موهای بدنش به رنگ بز کوهی است و بهترین و چموش‌ترین خرهاست، ۲- خر زرده (zarda) که اطراف دهانش سفید و بقیه بدنش سیاه رنگ می‌باشد و خری بسیار تندرو است، ۳- خر شِه_نه (še: na) که موهای بدن آن کاملاً به رنگ خاکستری است و دوانی‌ها معتقدند خری است کم رو، ۴- خر سوز (sôz) که موهای بدنش از سفیدی به رنگ سبز پسته‌ای باز می‌ماند، ۵- خر چرمه سوز (tsarma Sôz) خاکستری و زیر شکمش به رنگ سفید است و خری نسبتاً خوب است، ۶- خر دیزه (diđa) که تمام بدنش سیاه و کیفیتش پایین است. در دوان برای کیفیت الاغهای خود این شعر را می‌خوانند:^۱

(۱) چنین تقسیم‌بندی و اشعار در مورد الاغ‌ها در سایر منطقه‌های فارس همچون کوهمره دیده شده است. برای اطلاعات بیشتر رجوع شود به موسوی، ۱۳۶۲: ۱۴۸، ۱۴۹.

زربده زرده بخر - نادیده را چرمه بخر
شاه خران شینه خران - رَدّ خران دیده خران

اسبهای موجود در دوان از تنوع چندانی برخوردار نبوده‌اند زیرا تعداد آنها زیاد نبوده است و عمدتاً دوانی‌های متمول دارای اسب بوده‌اند. چیزی که در رابطه با چارپایان در دوان باید بیان شود این است که اولاً همیشه تعداد الاغها بیشتر از تعداد قاطرها بوده و اسب از لحاظ تعداد در درجه سوم قرار داشته است، اما اخیراً تعداد قاطرها بیش از الاغها شده است. ثانیاً يك کاهش چشمگیر در تعداد قاطر، اسب و الاغ در دوان دیده می‌شود به طوری که امروزه از اسب دیگر خبری نیست. در زمینه قاطر در سال ۱۳۶۰ نسبت به سال ۱۳۵۵ پنجاه درصد، در سال ۱۳۶۵ نسبت به ۵ سال قبل ۶۶ درصد کاهش وجود داشته، و در زمینه الاغ بیش از ۹۰ درصد کاهش در ظرف ۱۰ سال بوجود آمده است (ر.ک. به جدول ۲-۶).

چارپایان دوان از آفت و بیماری در امان نیستند. دوانی‌ها عمدتاً به روش‌های دامپزشکی سنتی بیماریهای چارپایان خود را علاج می‌کرده‌اند. یکی از امراض مخصوص چارپایان، گری (gari) است که باعث ریزش موها و شکافتن پوست حیوان می‌شود. اگر فوراً معالجه نشود حیوان از بین می‌رود. معمولاً کره و سقزکوهی (پر سرس bere:s) جوشانده و از آن در معالجه استفاده می‌کنند. بیماری دیگر کون (ku:n) است که سقف دهان الاغ ورم می‌کند و او را از خوراک خوردن باز می‌دارد. برای معالجه، افراد وارد و کاردان، سوزن جوال دوز به سقف ورم کرده می‌زنند تا خون و چرک آن را خارج کنند. سپس با آب نمک می‌شویند تا میکروب وارد زخم نشود. بعضی مواقع الاغها یا قاطرها سرما می‌خورند و به سرفه می‌افتند. در اینصورت بدن چارپا را پوشانده و گونی کهنه زیر دماغش دود می‌کنند تا بهبودی حاصل کند. بالاخره باید از مرض رنج (ranj) نام برد. الاغی که به مرض رنج مبتلا می‌شود روز به روز لاغرتر و نحیف شده تا بالاخره از پا درمی‌آید و این را چاره‌ای نیست. البته بیماری ناشی از شکستگی دست یا پا قفسه سینه هم وجود دارد که معمولاً متخصص شکسته بند روستا دست و پای شکسته را جامی انداخته است.

اگر چه امروزه دوان دارای ۲ جاده اسفالتی است و به هنگام گذشتن از کوچه‌های دوان در هر کوچه‌ای حداقل یک ماشین پارک شده دیده می‌شود، اما ماهیت کشاورزی دوان به شیوه‌ای است

که اهمیت داشتن قاطر و الاغ را کاهش نداده است. تعمیر و نگهداری باغها و حمل و نقل محصولات از باغها به روستا عمدتاً توسط الاغ و قاطر انجام می‌گیرد و در حال حاضر بنظر نمی‌رسد که وسیله دیگری بتواند جای آن را بگیرد.

بخش صنایع روستایی

بخش صنایع روستایی دوان به شش قسمت عمده تقسیم می‌گردد که این قسمت‌ها در سابق عمدتاً مواد اولیه خود را از محیط دوان تهیه می‌کرده‌اند اما این وضع تدریجاً تغییر کرده و در حال حاضر مواد مورد لزوم را از خارج روستا هم تهیه می‌کنند و از طرف دیگر تولیدات آنها برای رفع نیازهای ضروری روستا بوده است. این قسمت‌ها عبارتند از: صنایع بافتنی، صنایع گلی و سنگی، صنایع پوستی چرمی، صنایع چوبی.

صنایع بافتنی

صنایع بافتنی دوان به دو شکل متفاوت است. یکی صنعت سببافی است که مواد اولیه آن از درخت بادام کوهی (بادامچه) یا درخت آسوپس (assopes) موجود در کوه‌های دوان تهیه می‌گردد. دیگری صنعت بافته‌های نخی و پارچه‌ای است که سابقاً مواد اولیه آن از خود دوان تهیه می‌شده، اما اخیراً از بازارهای شهری تهیه می‌شود.

سببافی

در رابطه با سببافی به علت نیاز مبرمی که برای حمل انگور از باغها به روستا و به شهر بوده، مواد اولیه آن در محیط طبیعی دوان وجود داشته، همچنین اوقاتی از سال را دوانی‌ها فارغ از کار کشاورزی بوده‌اند و یا اینکه به هنگامی که در باغها برای چند روز بسر می‌برده‌اند وقتی اضافی برای سببافی داشته‌اند، لذا این صنعت در دوان رشد قابل توجهی در بین مردان نموده است. البته با پیدایش سبدهای پلاستیکی، سببافی دوان هم زیر فشارهای ناشی از مدرنیزاسیون، همچون سایر صنایع سنتی در کشورهای جهان سوم، کمر خم نموده است و امروزه تنها عده معدودی از پیرمردان در بافتن سبدها همت می‌گمارند. این عده علاوه بر رفع نیازهای خود گاهی برای

نزدیکان و آشنایان هم به سبدهافی می‌پردازند.

تعدادی از سبدهای بافت دوان برای کارهای کشاورزی و تعدادی به عنوان وسیله کار منزل بکار می‌رفته‌اند. لوده (loda) سبدهی است بزرگ که حدود ۳۰ تا ۳۵ من انگور در آن جا می‌گیرد و به دو پهلوی قاطر می‌بندند و بار را برای فاصله‌های دور حمل می‌کنند. کَلُو (ka:lô) سبدهی کوچکتر از لوده است که حدود ۶ من انگور در آن جا می‌گیرد و عمدتاً برطرفین الاغ می‌بندند (چون ظرفیت الاغ کمتر از قاطر است). وسیله دیگر حمل انگور گِ-رک (gē: rek) است که کوچک و مدور بوده و عمدتاً برای حمل انگور توسط شخص می‌باشد و حدود یک من انگور در آن جا می‌گیرد. دسته دوم سبدها مربوط به نگهداری و حمل و نقل طیور است. بُوک (bovek) سبدهی مخروطی شکل است که ته آن باز است و به عنوان قفس مرغ و جوجه در تابستان بکار می‌رود. ارتفاع آن یک متر می‌باشد و در بالای آن سنگی می‌گذارند تا گربه و روباه توانایی تکان دادن و یا واژگون نمودن آن را نداشته باشند. کُرکُری (korkori) سبدهی به شکل تخم مرغ است که یک سر آن باز است و برای آن دری می‌گذارند و مخصوص حمل مرغ از مکانی به مکان دیگر است و طول آن نزدیک ۱/۵ متر است. و بالاخره قفس کُوگی (kôgi) که به شکل مخروط است و ته آن بسته و برای نگهداری و حمل و نقل کبک بکار می‌رود. ارتفاع آن نیم متر است و معمولاً آن را آویزان می‌کنند که از گزند روباه در امان باشد. دسته سوم سبدهایی است که بیشتر ابزار مربوط به آشپزخانه است. گِیرِکِ نِنِی (gē: rek - e neni) سبدهی است تشت مانند که قطر آن یک متر است و دور آن ۲۰ سانتی‌متر ارتفاع دارد و مخصوص نگهداری نان است. تَوک (tevak) به صورت سینی است که در اندازه‌های مختلف ساخته می‌شوند و عمدتاً برای سبزی خشک کردن یا کشمش و مویز ساختن بکار می‌روند. بالاخره باید از کَلُوگوشتی (ka: lô - e gušti) نام برد که سبدهی است به صورت دیگ با نیم‌متر قطر و دارای در و دسته‌ای که در آن گوشت گذاشته و برجایی آویزان می‌کنند تا از دسترس گربه در امان باشند.

صنعت چرم و بافته‌های نخی و پارچه‌ای

در این صنعت، قسمت اعظم نیروی کار از زنان تأمین می‌شده است. زنها در مراحل اولیه به نخریسی اشتغال دارند و در این کار با استفاده از دوک نخریسی یا چِرک (tse: rek) نخریسی به

ساختن انواع نخها و بندها می‌پرداخته‌اند. یک نوع نخ از موهای بز می‌ساخته‌اند به نام قاتمه (qâma) که از آن کیسه‌ای توری برای حمل کاه به نام بَنَه (bena) می‌بافته‌اند. همچنین از نخهایی که تاییده می‌شد، قطعه‌هایی برزنتی مخصوص پالان می‌بافتند همچنین از این نخها نوارهای پهن برای تنگ (tang) مخصوص بستن جُل روی کمر چارپایان، رونکی (runaci) که جُل را از زیر دم می‌بندد و مانع از حرکت جُل روی کمر چارپایان، رونکی (runaci) که جُل را از زیر دم می‌بندد و مانع از حرکت جُل به جلو می‌شود، و آشُر مه (āšorma) که روی کفل چارپا قرار می‌گیرد و از دو طرف به رونکی متصل است، تهیه می‌کرده‌اند. وسیله دیگری که در رابطه با چارپایان می‌بافته‌اند. پخسه پَرون (paxšaparun) است که بر روی صورت چارپا بسته می‌شود تا مگس و پشه آن را اذیت نکنند. جنس این وسیله از نوارهای باریک چرم است. از چیزهای دیگری که زنان می‌بافتند لیف (lif) و آرق چین (araqcin) است که عمدتاً برای مصرف شخصی و گاهی برای بازار تولید می‌شده است. دوان سابقه بافت قالی و جاجیم هم داشته که امروزه این دو صنعت بکلی از بین رفته است.

پالان دوزی کاری سخت و ظریف است. در حال حاضر کلیه مواد اولیه آن بجز کاه از خارج از روستا تهیه می‌شود. این مواد عبارتند از لمبون (lombun) (گیاهی است که از بیشه‌زارهای شاپور کازرون تهیه می‌گردد)، گونی، نمد، خرده پشم و شال پشمی که از بازارهای کازرون تهیه می‌گردد. وسیله کار دو نوع سوزن پالان دوزی است که ابتدا لمبون را خرد کرده، گونی و نمد برای آستر زیر و خوره برای روی جل بکار می‌گیرند. لمبون را وسط آستر و ریوار (rivar) (پارچه کلفت نخی) می‌گذارند. سپس آنها را به هم دوخته و برای محکم کاری و سفت شدن جاهای خالی، به وسیله یک سیخ، لمبون را با فشار وارد جاهای خالی جل می‌کنند. در قسمت داخل جل که روی کمر چارپا قرار می‌گیرد، شال نرم می‌دوزند و مقداری کاه زیر شال می‌کنند تا نرم باشد و هنگام تماس با بدن چارپا را اذیت نکند. معمولاً پالان دوزان وسیله دیگری را به نام اُو کیش (ô ke:š) از بافته‌های موئی می‌ساخته‌اند که دارای دو لنگه است و دهانه آن رو به بالاست و مخصوص حمل اشیاء با الاغ است.

منطقه کوهستانی دوان، گذرگاههای صعب‌العبور آن، عدم وجود راه ارتباطی ماشین رو در قدیم، نوع معیشت مبتنی بر کشاورزی و دامداری و ضرورت تحرک فراوان در فصول چهارگانه

پافزاری را می‌طلبید که سبک، راحت، مقاوم، خنک و در عین حال ارزان باشد. روستای دوان با امکانات موجود منطقه قادر به تولید این وسیله بوده و تا حدی خودکفا بوده است. پافزاری چون ملکی (malci) بهترین پاسخگو برای تمامی این نیازها بوده زیرا اولاً مواد اولیه آن تماماً در دوان موجود بوده، ثانیاً ابزار کار ساده بود، و براحتی بکار گرفته می‌شده، ثالثاً، قسمت اعظم کار توسط نیروی کار زنان که در بخشهای دیگر مورد استفاده قرار نمی‌گرفت، انجام می‌شد، و رابعاً در صورت تولید مازاد، منبع درآمد خوبی بوده است.

گیوه در دوران طی سه مرحله و توسط سه گروه اجتماعی مختلف ساخته و پرداخته می‌شده است. مرحله اول، بافت رویه گیوه یا ریوار (rivâr) بافی است، مرحله دوم ساخت تخت گیوه یا شیوه کشی (še : va keši) (شیوه کشی) می‌باشد، و بالاخره مرحله سوم وصل رویه به تخت یا ملک دوزی (malci duzi) است. در مرحله ریوار، عمدتاً زنان کار می‌کنند و کاری است که در اوقات فراغت انجام می‌گیرد و هر جا که فرصتی پیش آید بساط ریوار بافی را به دست می‌گرفته و به بافتن و گپ زدن مشغول می‌شده‌اند. وسیله کار، یک سوزن و نخ تابیده شده‌ای بوده که از کازرون تهیه می‌کرده‌اند. هر زن دوانی به طور متوسط یک لنگه ریوار در روز می‌بافته. در اوج ریوار بافی، زنان دوانی، در مجموع ۴۰ ریوار به ملکی دوز دوانی یا ریوار خر کازرونی که به دوان می‌آمده، عرضه می‌کرده‌اند.

سابقاً ریوار خرابی‌های آباده‌ای و اصفهانی هم برای خریدن رویه‌های گیوه به دوان می‌آمده‌اند. امروزه پیرزنیهای مهاجر دوانی تنها مشغولیاتشان در شهرها ریوار بافی است.

مرحله دوم (شیوه کشی) در کارگاه شیوه کشی توسط مردان شیوه کش انجام می‌گرفته است. مواد اولیه مورد نیاز شیوه کشها پوست گاو، پیه، نری گاو، رنگ لاجورد، پارچه نازک، کتیرا و پارچه‌های کهنه بوده که قسمت اعظم آن در دوان موجود بوده است. ابزار مورد استفاده شیوه کشها عبارت بود از: کووه (kova) که شبیه دسته هاون است، دو نوع دُرُوش (dorôs)، (درفش)، پی‌شه (pe:ša) و پاشنه (pâšna)، بند قاطمه، تُنگک (tongek) که سندان چوبی است، سرفه (sofra) که تیغه‌ای تیز بوده است، و کِلَک (kelak) که شبیه منقل گلی بوده و در آن آتش می‌کرده‌اند.

در شیوه کشی از سه نیروی فشاری، کششی و ضربه‌ای استفاده می‌شده است. در کارگاه

شیوه کشی چهار نفر به صورت زنجیره‌ای و با تقسیم کار معین کار می‌کرده‌اند. اولی دو شاگرد بودند که از پارچه‌های رنگ شده، فتیله درست می‌کرده و نسبت به دو نفر دیگر از مهارت و تخصص کمتری برخوردار بوده‌اند. دومی، کسی که دارای تخصص و مهارت بوده و به مرحله استادی نزدیک بوده است. او بخش میانی کار و به عبارت دیگر بخش اتصال فتیله‌ها را انجام می‌داده و تخت گیوه را برای انجام کار مرحله نهایی که به دست استاد کار انجام می‌گیرد آماده می‌کرده است. سومی استاد بوده که بُرش و پرداخت و تکمیل تخت گیوه و به طور کلی موارد حساس و دقیق کار را انجام می‌داده است. امروزه دیگر کارگاه‌های شیوه کشی در دوان تعطیل شده است و دوانی‌ها ریوار را برای فروش به کازرون می‌برند.

مرحله سوم، ملکی دوزی بوده که در کارگاه ملکی دوزی توسط مردها انجام می‌گرفته است. وسیله کار این مرحله درفش، سوزن و نخ تاییده شده از پنبه (ماک = *māk*) برای بخیه کاری دور تخت گیوه است. در این کارگاه ابتدا تعیین خط اتصال رویه گیوه به تخت گیوه می‌شود. محل آن را استاد کار با سوراخهایی که با درفش بوجود می‌آورد تعیین می‌کند و یک نفر دیگر این محدوده را با ریسمان می‌دوزد و گیوه یا ملکی را آماده فروش می‌کند.^۱ غیر از نوعی که توضیحش رفت ملکی دیگری وجود داشت که تخت آن لاستیک بود این لاستیکها از لاستیک‌های اسقاط اتومبیل تهیه می‌شد. و از آن دو نوع ملکی تهیه می‌کردند: ۱ - ملکی یه کمره (*malci - ye ya kemara*) و دیگری ملکی دو کمره (*malci - ye do kemara*)؛ ملکی دو کمره دارای دو ردیف نوار و دو راه دوخت بود و از این نظر برای کوه و نقاط ناهموار مناسبتر بود.

در دوان امروزه دیگر ملکی تولید نمی‌شود به طوری که مردم احتیاجات خود را از کازرون تأمین می‌کنند. تنها ریوار بافی مرسوم است که این کار هنری صنعتی منحصر به پیرزن‌ها شده و دیگر دختران جوان رغبتی نسبت به آن نشان نمی‌دهند و ریوار بافی هم روزهای آخر عمر خود را می‌گذارند و بیم آن می‌رود که در آینده نزدیک به طور کلی به فراموشی سپرده شود.

عواملی چند در اضمحلال صنعت ملکی دوزی در دوان مؤثر بوده که مهمترین آنها عبارتند از: ۱ - تولید کفشهای ماشینی ارزان و عدم توانایی ملکی دوزان در رقابت با آنها، ۲ - افزایش

(۱) برای اطلاع بیشتر از چند و پرن گیوه‌سازی رجوع کنید به جزمی، ۱۳۶۳: ۲۰۵۷.

قیمت مواد اولیه مورد نیاز گیوه سازی، ۳- عدم تمایل جوانان روستا در فراگیری این حرفه، و ۴- بی رغبتی جوانان در به پا کردن گیوه. گیوه نیز همچون سایر صنایع دستی و روستایی در جهان سوم رو به فناست.

صنایع گلی و سنگی

ساختن وسایل گلی و سنگی از قدیم الایام در دوان رواج داشته است. بعضی از این وسایل تا به امروز هم مورد استفاده قرار می‌گیرد، در حالی که با تغییر و تحولات و ورود ابزار و وسایل جدید ساخت شهرها دیگر این وسایل هم متروک شده و در نتیجه دیگر کسی در پی ساختن آنها نیست. به عبارت دیگر، عدم استفاده از این وسایل، آن دسته از مشاغل در ارتباط با آنها را از بین برده است.

وسایل گلی

یکی از مهمترین وسایل گلی تنور است که به لفظ دوانی آن را تیری (tiri) گویند و تقریباً در همه منازل وجود داشته است. در دوران تنورسازی تا همین اواخر در انحصار زنان بوده است. طرز ساختن تنور به این صورت است که ابتدا خاک جهت گِل تنور را از محل اومشیری (ô maširi) یا درک دوو (derk - e dovu) می‌آوردند. بعد از غربال کردن خاک، با آن خمیر می‌ساختند و مقداری موی بز در آن مخلوط کرده و تا سه روز بعد از ظهرها آن را می‌مالیدند. سپس ابتدا یک فتیله برای ته تنور می‌ساختند و به صورت مدور آن را روی زمین قرار می‌دادند. فتیله‌های بعدی را به نازکی انگشت در سینی مهیا کرده و یکی بعد از دیگری بر روی هم سوار می‌کردند و دو فتیله را به هم می‌چسبانند. وقتی همه فتیله‌ها را نصب می‌کردند به وسیله یک من گِل روی همه قسمت‌های تنور را می‌مالیدند تا تنور یک دست شود. هر منزلی که تنور احتیاج داشت شخص تنورساز به منزل متقاضی رفته و تنور را همانجا می‌ساخت تا نیازی به حمل و نقل نباشد. اگر صاحب منزل قادر نبود که خود تنور را نصب کند، بابت نصب تنور هم مقداری به عنوان مزد

گرفته می‌شد.^۱

تنور سازان دوان وسیله‌ای را هم از گِل و گچ می‌ساخته‌اند به نام چاله (câla) که مخصوص غذا پختن بوده و معمولاً در زیر کپرها، در آشپزخانه‌ها و در اتاق‌ها نصب می‌شده است. ساخت این اجاق گچی بسیار ساده بوده و از دو قسمت تشکیل شده است. در قسمت عقب که آتش در آن فروخته می‌شود سه برآمدگی به نام «کچک» (koček) وجود دارد که دیگ روی آنها قرار می‌گیرد تا کف دیگ کپ چاله نشود. در قسمت جلو چاله فضایی است به نام گفtek (gaftek) که ضمن جمع کردن خاکستر از آنجا هیزم و چوب خشک را زیر دیگ قرار می‌دهند.

سایر وسایل گلی که ساخته می‌شد عبارت بودند از: دیرگک (de:gek) که همان دیگ گلی است، خَنیک (xanek)، دَنک (danek) و بگولک (bougulek) که اولی وسیله‌ای مسطح و مدور با سه پایه است که بر روی آن نان پهن می‌کنند و عمدتاً از کچ ساخته می‌شود، دومی وسیله‌ای برای نگهداری گندم و جو است و در پایین دارای سوراخی می‌باشد و سومی خمره کوچک سفالی است.

ابزار و وسایل سنگی

ابزار و وسایل سنگی دوان به شکل‌های مختلف برای مقاصد متفاوتی بوجود آمده‌اند. به طور کلی حاصل صنعت سنگ بری دوان را می‌توان به شش گروه تقسیم کرد. گروه اول ته ستون‌های نقش داراست که در گوشه و کنار دوان بخصوص در محل‌هایی که قبلاً مسجد بود و یا امروزه مسجد است، یافت می‌شود. این ته ستونها دقیقاً شبیه به ته ستونهای از زیر خاک در آمده شهر بیشاپور کازرون است.^۲ گروه دوم سنگ نوشته‌هایی است که در ۱۲ گورستان دوان به خط کوفی یافت شده که آنها نیز دارای نقوشی از گونه‌های دیگر طاقما و برخی نیز منقوش به نقش گلدان اما بدون وجود گل هستند.^۳ گروه سوم صندوق‌های سنگی توخالی است که خود به دو دسته تقسیم می‌گردند: دسته اول صندوق‌های نصب شده بر مزار برخی افراد شاخص قدیمی در روستاست که یکی از آنها در بقعه شیخ عالی و دیگری نزدیک حیوة الغیب می‌باشد. چهار طرف صندوق مکعب

۱) بر اساس مصاحبه با یکی از دوانی‌ها در شیراز به تاریخ ۱۳۶۶/۴/۴.

۲) سلامی، ۱۳۶۲ (الف): ۳۵.

۳) سلامی، ۱۳۶۲ (الف): ۳۴.

مستطیل شکل نوشته‌هایی از آیات قرآن کریم است و صندوق دارای دری در بالاست که بر روی آن هم نوشته شده است. دسته دوم صندوق‌های سنگی بزرگ یا کوچکی است که برای اهداف گوناگونی ساخته شده‌اند. نوع بزرگ آن در کارگاه شیره انگورپزی بکار می‌رود که معروف به کروش (kerōš) است و به شکل مکعب مستطیلی است که طول و عرض قاعده آن ۲ متر و ارتفاع ۱/۵ متر می‌باشد و در باغ‌ها و کوهستان قرار دارد. نوع متوسط آن بردینگ (barding) است که در زیر چشمه‌ها پشت سر هم قرار دارند و آب در آنها جمع شده تا چارپایان و گله‌ها بتوانند از آب درون آن بیاشامند. طول بردینگ ۱ متر، عرض نیم‌متر و ارتفاع ۳۰ تا ۵۰ سانتی‌متر است بردینگ‌های انفرادی هم در جلوی بعضی منازل دیده شده است که باز مورد استفاده چارپایان جهت نوشیدن آب قرار می‌گرفته است. نوع کوچک آن در واقع همان هاون سنگی است که در دوان به آن جُور (jōr) می‌گویند. جُور هرم ناقصی با قاعده مربع شکل است که طول و عرض قاعده آن ۳۰ سانتی‌متر و ارتفاع آن هم ۳۰ سانتی‌متر است. سطح وسیعتر آن بالا و سطح کوچکتر پایین قرار می‌گیرد. یک نوع کوچک دیگر جورک (jōrek) است که سنگی توخالی و مخصوص کوبیدن دانه‌ها یا گیاهان دارویی می‌باشد.

گروه چهارم سنگ‌های استوانه‌ای است که به چهار شکل عمده با چهار کارکرد متفاوت دیده شده است. شکل اول بوگردنه (bugardena) یا غلتک سنگی است که ارتفاع آن نیم‌متر و قطر آن ۲۰ سانتی‌متر است و با آن پشت بام را غلتک می‌زنند. شکل دوم آسک (āsek) که همان آسیاب کوچک دستی است و برای آرد کردن گندم بکار می‌رود. شکل سوم بژذر (bardar) است که مرکب از دو سنگ یکی مسطح و دیگری نیمه استوانه‌ای است که به وسیله دست به حرکت در می‌آید و برای لپه کردن حبوبات یا خرد کردن گندم (لَلِکْ Ialek) بکار می‌رود. شکل چهارم ناودان سنگی یا ناذه (nađe) است که نیم استوانه تو خالی است.

گروه پنجم سنگ‌های مستطیل شکل تخت است که برای مقاصد متفاوتی ساخته می‌شوند. از جمله پله‌های سنگی، سرپنجره‌ها، سنگفرش مساجد و یا سنگهایی که با آن محل نگهداری مشک‌های آبی به نام مشکوڈو (maškōdu) را می‌سازند.

گروه ششم شیر سنگی است که در بعضی قبرستانهای دوان دیده شده که بر روی مزار نصب گردیده است. ساختن شیر سنگی در دوان تاریخ طولانی دارد زیرا اخیراً در مرمت و بازسازی

بقعه شیخ عالی، شیر سنگی ای از زیر خاک در آمده است که متعلق به قرنهای چهار و پنج هجری است. شاید اگر کندوکاوهای باستان‌شناسی بیشتری انجام گیرد، تعداد بیشتری از این شیرها بدست آید. امروزه ساختن ابزار و وسایل سنگی در دوان کلاً منسوخ شده است. هر چه هست از قدیم است و اگر چیزی لازم شود، از کازرون تهیه می‌گردد.

آن دسته از ابزار سنگی که وسیله کار در منزل یا مربوط به امور منزل است عمدتاً توسط زنان روستا استفاده می‌شود. آشنایی و پیوند زنان با ابزار سنگی آنچنان است که مهارتی خاص پیدا کرده‌اند، و از این رو کمک‌های شایانی به اقتصاد منزل می‌نمایند. کار با وسایل سنگی آسان نیست و انرژی زیادی می‌برد. به همین لحاظ زنان دوانی با نیروی زیادی که دارند روزانه چند ساعت از وقت خود را با این وسایل می‌گذرانند. استفاده از بعضی وسایل سنگی به صورت انفرادی ممکن نیست (مثلاً بردر)، به همین لحاظ بعضی از وسایل علاوه بر وسیله تولیدی ابزاری جهت اجتماعی شدن هر چه بیشتر می‌گردند. زنان هنگام بردر کردن، ساعتها به حرفها و قصه‌های یکدیگر گوش می‌دهند و چون بردرها عمومی است و در کوچه‌ها قرار دارد، لذا سایر زنان هم جمع شده و در بحث و گفتگو شرکت می‌کنند.

صنایع پوستی - چرمی

شرایط طبیعی و اقتصادی، دوانی‌ها را بر آن داشته تا از وسایل پوستی استفاده زیادی ببرند. دور بودن چشمه‌های آب، به مدت طولانی در صحرا و باغ ماندن، گرم بودن هوای تابستان و دامپروری، همه و همه باعث شده تا دوانی‌ها وسایل مختلفی از پوست بز بسازند و در زندگی روزمره از آن استفاده نمایند. برای آوردن آب از چشمه (هم برای نوشیدن و هم برای سایر استفاده‌ها) از پوست کامل بز که دباغی می‌نمودند وسیله‌ای به نام مشك (mašk) می‌ساخته‌اند. مشك وسیله‌ای بسیار ظریف بوده و می‌بایستی در نگهداری آن دقت زیادی می‌نمودند. حمل آب از چشمه توسط مشك به دو صورت انجام می‌گرفت. یا يك زن يك مشك را بر پشت خود حمل می‌کرد و چندین کیلومتر آن را حمل می‌نمود تا به روستا برسد، و یا سه مشك را بر الاغی سوار کرده و خود پیاده به دنبال آن می‌آمد. شکل اول مشکتر و لذا عمدتاً کار زنان بود، اما شکل دوم را مردان هم انجام می‌دادند. از مشك برای دوغ زنی و کسره‌گیری و حمل شیرۀ انگور از

شیره پزی‌های واقع در کوهستان استفاده می‌شده است.

نوع دیگری مشك ساخته می‌شد که معروف به مشكولك (maškulek) است. مشكولك از مشك کوچکتر است و برای نگهداری دوغ یا بردن مقداری آب آشامیدنی به اندازه يك نفر به باغ و صحراست.

سومین وسیله‌ای که مشكدوز می‌ساخته دِلَك (delek) یا دولچه است. جنس دلك از پوست بز است و هنگام دباغی طوری می‌سازند که متخلخل گردد و به اصطلاح محلی آن را شیرین می‌کنند تا آب را در تابستان خنك نگه دارد. این وسیله مخروطی شکل است که با سه چوب خراطی شده روی زمین قرار می‌گیرد و سری (دری) چوبی دهانه آن را مسدود می‌کند. اغلب دولچه را با چرمهای رنگین مزین می‌ساخته‌اند. دولچه را پر از آب کرده و در طول شب بر پشت‌بام می‌گذاشته‌اند تا آب آن کاملاً خنك شود.

چرم‌سازی در دوان رونق چندانی نداشته است و ملکی دوزان به اندازه احتیاج خود (برای نوار پشت ملکی‌ها) و رفع نیاز دولچه‌سازان مقداری چرم در سال تولید می‌کرده‌اند.

امروزه در دوان دیگر از چرم‌ساز و مشك دوز خبری نیست. اگر مشکی یا دولچه‌ای لازم باشد از کازرون تهیه می‌گردد. از طرف دیگر باکشیدن آب لوله‌کشی و برق به دوان، اغلب دوانی‌ها یخچال خریده و نیازی به مشك و دولچه ندارند. صنعت دباغی پوست و مشك سازی نیز در دوان از بین رفته است و پوستهای بدست آمده از گُشتار بزها، در بازار کازرون به فروش می‌رسد.

صنایع چوبی

وسایل چوبی لازمه زندگی در دوان بوده است. زراعت و باغداری همیشه نیازمند وسایلی است که نجار باید آنها را تهیه یا تعمیر نماید. از طرف دیگر زندگی روزمره محتاج وسایلی است که خراط باید آنها را فراهم نماید. دوان هم دارای نجار و هم خراط بوده است. تمام نجاران و خراطان دوان (بجز یکی از آنها) با هم قوم و خویش بوده و عمدتاً از يك خانواده بوده‌اند.

محصولات تولید شده توسط نجار خیش، دسته تیشه و دسته آزه می‌باشد. خراطان دوان دسته و سر دِلَك، پایه‌های گهواره، میزان ترازو، میانه قلیان، گل میخ، دسته چوبی هاون سنگی، کرسی برای ملکی دوزان، و تیر (tir) که چوبی نازک برای نان پهن کردن است، می‌ساخته‌اند. کارگاه

نجاری بیشتر خیش و دسته اژه می‌سازد و تعمیر می‌کند. برای ساختن خیش مشتری باید چوب لازم را از درختهای بلوط در کوه تهیه نماید، اما برای ساختن دسته اره، چوب درخت تیک (teyek) توسط نجار فراهم می‌شود. ساختن يك خیش يك روز (۱۲ ساعت) کار می‌برد. سابقاً که خیش بیشتر بکار می‌رفت، هر کارگاه در ماه حدود ۱۰ خیش می‌ساخته است، اما در حال حاضر تنها ۴ خیش در ماه تهیه می‌شود. در ماه دی و بهمن و اسفند که فصل تعمیر باغ و ماههای مهر و آبان و آذر که فصل شخم صحراست، کارگاه نجاری شلوغ بوده است. در هر ماه بین ۱۰ تا ۱۵ دسته اژه ساخته می‌شود. سابقاً که گروههای در کار (ر.ک. ص ۱۸۱) وجود داشته نجار تعمیر و نگهداری خیش را برای يك سال انجام می‌داده و در پایان سال زراعی سهمی بابت مزد دریافت می‌کرده است (۳ من جو و ۴ من گندم) در حال حاضر برای تعمیر، مزد را به صورت نقد می‌پردازند.

پیش از این افراد از روستاهای کوهمره، نودان، چکک، و موردک برای تعمیر خیش و دسته اژه خود به دوان می‌آمده‌اند. امروزه کارگاه نجاری دوان نه تنها دیگر مشتری خارج از روستا ندارد، بلکه دوانی‌ها هم کار چندانی به کارگاه نمی‌برند. از يك طرف تعداد زیادی مردم از دوان مهاجرت کرده‌اند و از طرف دیگر دوانی‌ها دیگر خود را مقید این نمی‌دانند که حتماً وسیله خود را در دوان تعمیر کنند، زیرا مزد می‌دهند و کار بهتر می‌خواهند. به همین لحاظ است که کارگاه نجای دوان مجبور است برای جبران کمبود مشتری به کارهای دیگری از قبیل لحیم کردن سرقوطی‌ها پردازد. این امر نشان می‌دهد که در روستاها چگونه مشاغل از بین می‌روند یا کارکردشان تغییر می‌کند.

دوانی‌ها علاوه بر اینکه چوب را تغییر شکل می‌داده‌اند و وسایلی از آن می‌ساختند، با سوزاندن چوب جنگلها همه ساله مقدار زیادی زغال می‌ساخته‌اند. زغال هم منبع سوخت و انرژی دوانی‌ها را تشکیل می‌داده و هم منبع درآمد بعضی از خانواده‌ها بوده است به طوری که عده‌ای در دوان معروف به خانواده زغالی‌ها بوده‌اند بعضی از خانواده‌ها بوده است به طوری که عده‌ای در دوان معروف به خانواده زغالی‌ها بوده‌اند و عمدتاً زغال سازی در انحصار آنها بوده است. با روی کار آمدن قانونی ملی شدن جنگلها و مراتع در سال ۱۳۴۱، دیگر ساختن زغال ممنوع اعلام گردید. تا مدتها همچنان زغال به صورت قاچاق در کوههای دوان ساخته می‌شد، اما با گماردن

يك مأمور جنگلبانی در کوه‌های دوان از این کار جلوگیری بعمل آمد. از طرف دیگر افزایش مصرف نفت و گاز در روستاها و شهرها کار زغال سازان را کساد کرده است.

صنایع غذایی

دوانی‌ها بسیاری از محصولات زراعی یا کوهی خود را با اندکی تغییر و تحول تبدیل به محصولات غذایی می‌نمودند تا به شکل‌های دیگری و برای مدت بیشتری قابل استفاده باشند. به علت تنوع انگور، چندین نوع کشمش و مویز تهیه می‌کردند که در طول سال یا به مصرف شخصی می‌رسید، یا به عنوان سوغات برای دیگران می‌بردند و یا کلاً به بازار برده و می‌فروختند. کشمش یکی از بهترین منابع درآمد دوانی‌ها بوده است. همچنین از انگورهای نامرغوب خود سالانه مقدار زیادی سرکه تولید می‌کرده‌اند که یا برای مصرف شخصی بوده و یا برای فروش به بازار برده می‌شد. غیر از کشمش و مویز، آنانی که باغ داشتند، همه ساله مقدار زیادی از انجیرهای خود را خشک کرده و بعداً با قیمت بیشتری به بازار عرضه می‌کرده‌اند. اهالی روستاهای اطراف و مردم کازرون از مشتریان پر و پا قرص انجیر خشک دوان بوده‌اند.

دوانی‌ها سعی می‌کرده‌اند که از طبیعت نهایت استفاده را ببرند. از این رو میوه درختان خودرو همچون بادام کوهی را جمع می‌کنند و بعد از شیرین کردن، اخورك (axorek) می‌سازند که نوعی آجیل است و طرفداران زیادی دارد. همچنین بادام کوهی شیرین نشده را خرد کرده و از آن مَجَك (majek) می‌سازند که ماده اولیه غذایی است به نام شِلَه مَجَك (sele-y majek). از میوه درخت بنه (پسه وحشی) هم استفاده می‌کنند و پس از شیرین کردن، آن را بِنَك (banek) می‌گویند و به صورت تفتلات به مصرف می‌رسانند.

دوانی‌ها از گندم دو محصول عمده می‌سازند که یکی لَلَك (lalek) و دیگر نشاسته است. لَلَك عبارت است از نیم کوب کردن گندم به طوری که به صورت پودر در نیاید. لَلَك را مثل برنج دم کرده به صورت چلو می‌خورند و از غذاهای اصلی دوانی‌هاست. گندم را تحت عملیات خاصی به نشاسته تبدیل می‌کنند که مصرف غذایی و دارویی دارد در واقع اگر بخواهیم به همه مواد غذایی در دوان پردازیم خود به فصلی جداگانه احتیاج دارد، اما در اینجا فقط به مهمترین آنها پرداخته‌ایم.

مهمترین محصول صنایع غذایی دوان شیرۀ انگور بوده است. کارگاههای شیره‌پزی انگور در تمام نقاط منطقه باغی دوان در میان تاکستانها برپا بوده است. هر کارگاه بین ۴ تا ۲۰ کیروش (kerōs) داشته است. هر کیروش نزدیک ۶ مترمکعب حجم داشته است که به تفاوت بین ۵۰ تا ۵۰۰۸ کیلو انگور در آن می‌ریخته‌اند. آب انگور را در کروشها می‌گرفتند و سپس گلی مخصوص بر آن می‌زدند تا صاف و شفاف شود. در مرحله بعد آب انگورها را در ظروف مسی جوشانده شیره آن را می‌گرفتند. بعد از آنکه شیره سرد می‌شد در مشک کرده آن را به دوان حمل می‌کردند. از هر ۵ من انگور یک من شیره می‌گرفته‌اند.

در مجموع ۱۰۰ کارگاه شیره انگورپزی در کوهها و تاکستانهای دوان وجود دارد که به طور کلی در چهار منطقه باغی واقع شده‌اند. ۱- منطقه سرکوه، ۶ کارگاه؛ ۲- منطقه پاکوه، ۱۴ کارگاه، ۳- منطقه پشت دوان ۷۰ کارگاه؛ ۴- منطقه جنوب دوان، ۱۰ کارگاه.

امروزه هیچکدام از کارگاههای شیره‌پزی دایر نیستند، اما یک محاسبه ساده به ما نشان می‌دهد که زمانی نه چندان دور، حداقل تولید این کارگاهها چه مقدار بوده است. گفتیم هر کارگاه حداقل ۴ سنگ آب داشته و هر سنگ آب حداقل ۵۰ کیلو انگور در خود جای می‌داده است که با احتساب اینکه ۱۰۰ کارگاه وجود داشته است، پس حداقل چیزی نزدیک به ۲۰۰۰۰ کیلو انگور در این کارگاهها مصرف می‌شده است که بر اساس اینکه از هر ۵ کیلو انگور یک کیلو شیره انگور بدست می‌آمده، می‌توان گفت حداقل تولید سالانه شیره انگور دوان ۴ تن بوده است.

بخش تجاری و مالی

بخش تجاری و مالی روستای دوان را می‌توان به چهار قسمت عمده تقسیم کرد: مبادله با خارج از روستا، شعبه روستایی و فروشگاهها، تعاونی روستایی، و بانک صادرات. هر یک از این قسمت‌ها دارای تاریخچه و کارکرد خاص خود بوده و در طول عمر خود تغییر و تحولات زیادی را دیده‌اند.

مبادله با خارج از روستا

اصولاً دوانی‌ها در مبادله با خارج از روستا ید طولایی داشته^۱ و آن را به دو شکل عمده انجام می‌داده‌اند. در شکل اول دوانی‌ها از روستا خارج شده و به اطراف می‌رفته‌اند تا محصول خود را با جنسی از طرف مقابل مبادله کنند. این عمل را دوانی‌ها *خرخرکی* (xer xeraci) گویند. در شکل دوم، افراد خارج از روستا به دوان آمده و اجناس یا محصولات از دوانی‌ها گرفته و در مقابل چیزی به دوانی‌ها عرضه می‌کرده‌اند. این نوع مبادله را دوانی‌ها *پله وری* گویند.

در *خرخرکی* دوانی‌ها یا محصولات تولید شده در دوان را به روستاهای اطراف همچون ابوالحیات، پاپون، چگک، دوسیران، کنده‌ای علیا، گاکشک، گرگدان، موردک و نودان، که همگی دهات منطقه کوهمره نودان هستند، می‌بردند، و یا محصولات خود را به دکانداران کازرونی فروخته و در مقابل اجناسی همچون قند، چای، پارچه و یا مس به روستاهای دوردست مثل *برمک نزدیک نورآباد*، *پرین* (یکی از روستاهای ممسنی) و *خشت و دشتی* می‌بردند. محصولاتی را که دوانی‌ها به روستاهای اطراف می‌برده‌اند عبارت بودند از انار، انگور، انجیر تر و خشک، کشمش و مویز، هیزم، شیره انگور و عسل. در مقابل این محصولات و اجناس، دوانی‌ها گندم، جو، برنج، ماش، روغن، کنجد، خرما و محصولاتی از این قبیل را با خود به دوان می‌آورده‌اند. به همین لحاظ دوانی‌ها در منطقه شبکه وسیعی از مبادلات داشته‌اند که توسط آن هم احتیاجات خود و هم احتیاجات سایر روستاها را بر طرف می‌نموده‌اند. اگر چه بنظر می‌آید که روستای دوان به لحاظ مکان جغرافیایی در بن‌بست قرار دارد، اما موقعیت آن در شرایط خاص آن روزها که جاده‌ها به کثرت امروزی نبود به دوان یک موقعیت واسطه‌ای بین روستاهای کوهمره نودان و کازرون و منطقه دشتی می‌داده است.

سابقاً عمده‌ترین خریداران انگور دوان دکانداران کازرونی بوده‌اند. ابتدا که انگور (یا قوتی) می‌رسید مسأله‌ای در مورد فروش نبود چون تعداد کمی افراد انگور یا قوتی داشتند. با شیرین شدن یکباره انگورها، برای جلوگیری از اشباع شدن بازار، ریش سفیدان دوان فروش انگور را برای پایه‌های ۴ گانه طویف دوان نوبت‌بندی می‌کردند. هر روز نوبت یک پایه از طویف ۱۲ گانه

(۱) تاریخ نویسنده معاصر محمدحسین آدمیت در کتاب خود به نام *فارس و جنگ بین‌الملل* اظهار می‌دارد که اهالی دوان در

کسب و تجارت ید طولی دارند. رجوع شود به آدمیت، ۱۳۲۹: ۸۵.

بوده تا انگور خود را به کازرون ببرند. اگر کسی در نوبت غیر از پایه خود انگور به بازار می‌برد جریمه می‌شد. بعد از ۴ روز دوباره نوبت پایه اول می‌شده است. هر بار انگور که بین ۲۰ تا ۳۰ من بوده است به دکاندار تحویل داده می‌شد و دکاندار از هر بار انگور یک من را برای کمبود کسر می‌کرده است. بقال کازرونی یا در پایان روز به صورت نقدی یا جنسی قیمت انگور را می‌پرداخت، یا اینکه در آخر فصل انگور، حساب و کتاب انگور فروش دوانی را کرده، بقیه پولش را تحویل می‌داده است. در حال حاضر فروش انگور از انحصار کازرونی‌ها به درآمده و دوانی‌ها انگورهای خود را شخصاً برای فروش به شهرهایی چون بوشهر، شیراز و اصفهان می‌برند.

در شکل پیله‌وری، افراد از روستاهای نامبرده در بالا و یا کازرون به دوان می‌آمدند و از افراد و یا دکان‌هایی که تازه در دوان باز شده بودند، محصولات و اجناسی را دریافت و در مقابل، محصولاتی داده یا پول نقد می‌پرداختند. فروشگاه‌های اولیه دوان، اجناس را به طور قرضی به مشتریان خود در روستاهای دیگر عرضه می‌کرده‌اند، در مقابل، پیله‌وران کازرونی هم اجناس خود را در مقابل پیش خرید محصولات دوانی به ساکنان دوان می‌داده‌اند. به همین لحاظ یک شبکه پیچیده‌ای از مبادلات وجود داشته به طوری که بعضی مواقع دکانداران دوانی برای وصول طلب خود چند چاروادار را به روستاهای اطراف می‌فرستاده‌اند. امروزه شکل پیشرفته پیله‌وری در رابطه با فروش انگور می‌باشد. عده‌ای از عمال انبارداران شیراز با صندوق‌ها و کارتن‌های خالی به دوان می‌آیند و انگور دوانی‌ها را در باغ خریداری کرده به شیراز می‌برند.

شرکت تعاونی روستایی دوان

یکی از شرایط دریافت زمین از طریق اصلاحات اراضی، عضویت در شرکت‌های تعاونی روستایی بوده است. به همین لحاظ از سال ۱۳۳۹ در سطح وسیع در ایران اقدام به تأسیس شرکت‌های تعاونی مصرف روستایی نمودند. از آنجایی که اصلاحات اراضی شامل حال روستای دوان نمی‌گردید، و از طرف دیگر دوان به حد کافی از طریق فروشگاه‌های خود درگیر روابط پولی بود، لذا تأسیس شرکت تعاونی در دوان ۱۰ سال دیرتر تحقق یافت. در تاریخ نوزده دی ماه ۱۳۵۰، شرکت تعاونی دوان با ۱۶۵ عضو و سرمایه اولیه ۲۱۷۱۵۰ ریال (هر سهم ۵۰ ریال)

تأسیس گردید. تعاونی مزبور در حال گسترش بوده و اعضای آن در سال ۱۳۶۵ به ۲۳۹ نفر با سرمایه ۱۹۳۸۶۰۰ ریال رسیده است. ذخیره قانونی شرکت مزبور در همین سال ۵۳۴۷۴۵ ریال بوده است.^۱

حوزه فعالیت شرکت تعاونی دوان، روستای دوان و عشایر ایل قرمزی است که محل سکونت آنها حوالی چاه آب دوان است و دارای ۲۰ عضو در شرکت تعاونی دوان می‌باشند. از آنجایی که هر تعاونی روستایی باید حداقل از سه گروه تعاونی تشکیل شود، تعاونی دوان هم دارای سه گروه به نامهای زیر است: گروه ملاحا با ۴۸ عضو، گروه خواجه‌ها (شامل طوایف خواجه میرک و خواجه‌ای) ۷۵ عضو، و گروه سه طایفه (شامل طوایف باپیر، فخر و جمالو) با ۱۱۶ نفر عضو. از آنجایی که عضویت در تعاونی اختیاری است، لذا ملاحظه می‌شود که بسیاری از اعضای طوایف عضو تعاونی نیستند. زنها در صورتی می‌توانند در تعاونی عضویت پیدا کنند که رئیس خانوار باشند.^۲

هر شرکت تعاونی از سه رکن اساسی تشکیل شده است: ۱- مجمع عمومی، ۲- هیأت مدیره، و ۳- بازرسان. سابقاً کل اعضای تعاونی، مجمع عمومی را تشکیل می‌داده‌اند که حضور نصف به اضافه یک اعضا به مجموع عمومی رسمیت می‌بخشید. از سال ۱۳۵۲ به بعد، نصف به اضافه یک نمایندگان که نمایندگی نصف به اضافه یک اعضا را داشته باشند به مجمع عمومی رسمیت می‌دهند. نمایندگان هر گروه افتخاری کار می‌کنند. مدیر عامل و فروشنده از طرف شرکت حقوق می‌گیرند. هر گروه تعاونی دارای ۲ عضو در هیأت مدیره است (یکی اصلی و دیگری علی‌البدل). کار اعضا تصمیم‌گیری است و تمام تصمیمات در دفتری به نام دفتر صورت جلسه هیأت مدیره ثبت می‌شود و این دفتر جزء دفاتر قانونی شرکت است. هر گروه تعاونی سه نفر نامزد هیأت مدیره را انتخاب می‌کند، که در مجمع عمومی دو نفرشان توسط نمایندگان برای مدت ۳ سال کار افتخاری انتخاب می‌گردند. و بالاخره هر شرکت دارای ۲ بازرس است که از طریق مجمع عمومی توسط نمایندگان گروه‌ها برای مدت یک سال کار افتخاری انتخاب می‌گردند. اگر اعضای شکایتی از شرکت داشته باشند باید شکایت را به بازرسان تسلیم کنند. شکایات در هیأت مدیره مطرح و از

(۱) کلیه آمار از طرف اداره تعاون و امور روستاهای کازرون ارائه گردیده است.

(۲) همانجا.

شرکت جواب دریافت می‌گردد.

شرکت تعاونی دوان دارای سه وظیفه عمده است:

- ۱- ارائه نهاده‌های اصلی کشاورزی همچون کودشیمیایی و سم جهت سمپاشی باغهای انگور.
 - ۲- عرضه کالاهای کوپنی به کلیه افراد روستا و ارائه لوازم خانگی به اعضا.
 - ۳- پرداخت وامهای کوتاه مدت و دراز مدت کشاورزی و غیر کشاورزی به اعضا.
- برای این منظور تعاونی باید عضو اتحادیه تعاونی‌های شهرستان باشد و برای این عضویت باید سهام بخرد. در سال ۱۳۶۵ مقدار ۸۰۰۰۰۰ ریال سهام از اتحادیه شرکت‌های تعاونی روستایی کازرون توسط تعاونی دوان از قرار هم سهم ۵۰۰۰ ریال خریداری شد. وام پرداختی شرکت به اعضا در همین سال ۱۱۶۴۰۰۰۰ ریال به ۸۴ عضو بوده است.^۱
- همه ساله مقداری گوگرد برای سمپاشی تا کستان‌ها عرضه می‌گردد. بعضی کالاهای اساسی هم به طور سالانه بین اعضا توزیع می‌گردد که مقدار آن در مقابل نیاز روستاییان بسیار کم است. و بالاخره باید از توزیع اجناس کوپنی نام برد. تقریباً کلیه اجناس کوپنی متعلق به روستای دوان از کانال شرکت تعاونی توزیع می‌گردد.

نتیجه‌گیری

دیدیم که چگونه اقتصاد روستای دوان از بخشهای کاملاً مشخص اما در ارتباط تنگاتنگ با یکدیگر تشکیل شده به طوری که کارکرد هر بخش وابسته به کارکرد بخش‌های دیگر است. هر بخش خود از قسمت‌های مختلفی بوجود آمده که تنوع قسمت‌ها تقسیم کار مشخصی را برای افراد مختلف ایجاد کرده است. تنوع در بخش‌ها و قسمت‌ها، آن دسته از نظریات جامعه‌شناسی روستایی که جامعه روستایی را مشکل از ساختی ساده می‌داند به زیر سؤال می‌برد. گستردگی قسمت‌ها، پیچیدگی تقسیم کار را نشان می‌دهد.

اقتصاد دوان، همچون بسیاری از روستاهای جهان سوم، دیگر يك اقتصاد بسته نیست. این اقتصاد تحت تأثیر اقتصاد منطقه‌ای است زیرا در شبکه‌ای از تار و پود مبادلات منطقه‌ای قرار

دارد و تحت تأثیر اقتصاد مملکتی است زیرا در يك بازار ملی کنش متقابل می‌کند، و بالاخره تحت تأثیر اقتصاد کلان است زیرا هم اجناس خارجی مورد استفاده‌اش است و هم نیروی کار در سطح بین‌الملل دارد و ارز وارد دوان می‌کند.

اقتصاد دوان يك اقتصاد پویا و دائم در حال تغییر و تحول است. تغییر و تحولاتش تحت تأثیر مکانیزم‌های مختلفی است که در اثر این مکانیزم‌ها قسمت‌هایی از میان رفته و یا در حال اضمحلال هستند، در حالی که بسیاری از فعالیت‌های جدید ایجاد شده، یا در حال شکل‌گیری هستند. کلاً اقتصاد روستای دوان می‌توانست از این هم پویاتر باشد، اما ضربات وارده در اثر عوامل مختلف، پویایی آن را کُند کرده است. مثلاً روستای دوان بارها مورد غارت و تهاجم بیگانگان قرار گرفته و هستی مادی و میراث فرهنگی‌شان به تاراج رفته است. در قرن قبل، بارها به دوان حمله شده و در یکی از غارت‌ها تمام هستی دوانی‌ها بر باد رفته و بسیاری از نسخه‌های خطی مشاهیر دوان از بین رفته است.^۱ و یا در دوان رژیم قبل، دوان به کرات مورد هجوم بیگانگان و یاغیان قرار گرفته است. در نامه‌ای که مرحوم کربلائی حاجی یوسف زاده (یکی از دوانی‌های ساکن دوان) خطاب به فرزند خود مرحوم محمدعلی یوسف‌زاده در تاریخ ۱۳۲۵/۹/۱۴ نوشته این موضوع را بخوبی نشان داده است:

«... ماها غارت زده‌ایم. یکی یکی می‌گیرند و مثال را غارت می‌کنند. خدا می‌داند

که سه مرتبه غارت شده‌ایم. نه خودم لباس دارم و نه والده و...»

تاریخ دوان مملو از این غارت‌هاست که هر چند سالی يك بار انجام می‌گرفته و مانع از پیشرفت سریعی دوانی‌ها می‌شده است. اما بنظر می‌رسد با يك برنامه منطقی و عملی می‌توان از این روستا حداکثر بهره را برد و در واقع شرایط جلوگیری از مهاجرت‌های بی‌رویه از دوان به شهر را فراهم نمود.

فصل هفتم

ساخت اجتماعی

مقدمه

ساختار اجتماعی جوامع روستایی بر اساس شکل‌بندی اجتماعی جامعه و روابط اجتماعی - اقتصادی موجود بین طبقات و اقشار مختلف است. در چارچوب این شکل‌بندی یک نظام خویشاوندی ایجاد می‌گردد که بر روابط اجتماعی تأثیر زیادی دارد و در بسیاری موارد تعیین‌کننده می‌شود. برای شناخت صحیح و علمی ساختار اجتماعی باید ابتدا طبقات و اقشار مختلف را مشخص کرد و سپس چگونگی رابطه بین آنها را تشریح نمود. چون در جامعه روستایی، نظام خویشاوندی ارتباطی تنگاتنگ با قشربندی اجتماعی دارد، ضمن تشریح این نظام باید چگونگی پیوند آن را با طبقات و لایه‌های اجتماعی بیان کرد. در قسمت اول این فصل ابتدا قشربندی اجتماعی، روابط بین اقشار و سپس نظام خویشاوندی تشریح می‌گردد.

ساختار اجتماعی جامعه روستایی پدیده‌ای ثابت نیست و دائم در حال تغییر و تحول است. این تغییر و تحول تحت تأثیر عوامل گوناگون اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و ایدئولوژیکی حاصل می‌گردد. در ارتباط با هر جامعه‌ای باید این عوامل معین گردند. یکی از عوامل بسیار مهم منشعب از عامل اقتصادی مهاجرت است که ساختار اجتماعی را دگرگون می‌نماید. مهاجرت از روستا تحت تأثیر عوامل مختلفی است، اما مهاجرت جمعی و در سطح قابل توجه از روستا به شهر یا به کشوری دیگر عمدتاً در اثر توسعه ناموزونی است که در کشورهای جهان سوم حاکم است. در این کشورها توجه به شهرها و به فراموشی سپردن روستاها باعث می‌شود که روستاها به شهرها وابسته

گردند و لذا فقر روز افزون روستایی در همهٔ زمینه‌ها روستاییان را مجبور به مهاجرت نماید. مهاجرت روستایی فرایندی است برای رهایی از فلاکت روستایی و مهاجر تلاشگری است برای بازیابی زندگی. در این راستا موفقیت مهاجر بستگی به جامعهٔ مقصد، مبدأ و میزان تلاش او دارد. در قسمت دوم این فصل جمعیت و فرایند مهاجرت دوانی‌ها بررسی می‌گردد تا زمینهٔ بافت اجتماعی معاصر دوان و دوانی‌ها فراهم آید.

در اثر مهاجرت و گسترش روابط با سایر جوامع در سطح کلان، ساختار اجتماعی روستایی در جهان سوم تغییر شکل داده و به هیأتی جدید درمی‌آید. در اثر مهاجرت، دیگر از یک روستای بسته نمی‌توان سخن به میان آورد. قشربندی اجتماعی و نظام خویشاوندی ابعادی جدید به خود می‌گیرند به گونه‌ای که نظام جدید دارای دو بُعد خرد و کلان می‌گردد. در پایان این فصل ساخت جدید اجتماعی دوان و دوانیان مهاجر در ارتباط با یکدیگر تشریح می‌گردد.

زمینه‌های تاریخی قشربندی اجتماعی و نظام خویشاوندی در دوان

نظام تیولداری حاکم بر دوان، نظام قشربندی اجتماعی دوان را همچون سایر نقاط ایران از یک همگونی طبقاتی برخوردار کرده بود. به عبارت دیگر در این رابطهٔ اجتماعی تمامی اعضای یک روستا رعیت تیولدار بوده و سالانه مقداری از سهم کشت را بابت حق تیولداری پرداخت می‌نمودند. در این رابطه تیولدار از هیچگونه ظلمی کوتاهی نمی‌کرد و رعیت‌ها مورد ظلم مکرر قرار می‌گرفتند. در اواخر دوران قاجاریه به علت ضعف حکومت مرکزی و الغای تیولداری توسط انقلاب مشروطه، روند انتقال زمینها و بعدها مسألهٔ فروش آنها بوجود آمد. تصاحب زمین برای زمیندار سودی نسبتاً فراوان داشت و او را قادر می‌ساخت به اینکه عده‌ای از ملازمان مسلح به خدمت خود بگمارد و این کار قدرت بسیاری به او می‌بخشید. عملاً معنی این کار آن بود که حکومت می‌بایست غالباً در نواحی‌ای که عمده مالکان زمین داشتند در برابر آنان سرفروند می‌آورد و این نکته به نوبهٔ خود سبب کسب حیثیت اجتماعی و همچنین قدرت سیاسی برای مالک می‌گردید. در این دوران طبقه مالکان مقتدرترین عوامل مملکت بشمار می‌رفتند. زمینداری زمینهٔ پرسودی برای سرمایه‌گذاری بود و مایهٔ کسب حیثیت اجتماعی مالک بشمار می‌رفت و همین امر موجب شد که بر عدهٔ زمینداران افزوده شود و این طبقهٔ جدید از مأموران